

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی 89-1388

دکتر مجید کفاشی* دکتر مهرداد نوابخش** فاطمه پاشازاده آذری***

چکیده: هدف از این پژوهش شناخت و میزان تأثیر عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی 89-1388، است. جامعه آماری در این پژوهش، دانشجویان دختر و پسر شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی اند که شامل 13411 نفر بوده و از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران نمونه مورد مطالعه 373 نفر محاسبه شد، که از این تعداد 187 نفر را زنان و 186 نفر را مردان تشکیل می دهند. در پژوهش حاضر از روش تحقیق پیمایش استفاده شده و داده ها و اطلاعات مورد نظر نیز از روش کتابخانه ای و میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، جمع آوری شده است. تعداد دانشجویان مورد نظر با روش نمونه گیری طبقه بندی شده متناسب با حجم و در نهایت با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شده اند. یافته های تحقیق با استفاده از جداول توصیفی و آزمون های آماری در نرم افزار SPSS محاسبه شده است. متغیر مستقل در این تحقیق، عوامل اجتماعی که شامل: 1- میزان اهمیت و استفاده دانشجویان از رسانه های جمعی 2- میزان آگاهی سیاسی دانشجویان 3- پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان 4- میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان 5- میزان فعالیت های دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاهی 6- جنسیت دانشجویان 7- وضعیت تأهل دانشجویان 8- رشته (گروه) تحصیلی دانشجویان 9- سن دانشجویان است و از میان این عوامل، میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان، میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان، میزان فعالیت های دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاهی، جنسیت دانشجویان، وضعیت تأهل دانشجویان و رشته (گروه) تحصیلی دانشجویان با مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری دارند، به عبارتی این فرضیات تأیید و عوامل میزان اهمیت و استفاده دانشجویان از رسانه های جمعی و سن دانشجویان با مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری ندارند، که حاکی از رد این دو فرضیه است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و عضو باشگاه پژوهشگران جوان

majidkaffashi@gmail.com

** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

*** کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن sarvenaz.pashzadeh@yahoo.com

کلید واژه ها: مشارکت سیاسی، عوامل اجتماعی، دانشجویان، آگاهی سیاسی، پایگاه اجتماعی

مقدمه

افراد در نوعی ویژه از با هم بودن به وجود اصیل و انسانی خویش نایل آمده و تعالی می یابند و نتیجه چنین ارتباط و با هم بودن این خواهد بود که انسان وجود خود را در پرتو شیوه خاصی از نسبت یافتن با دیگران باز می شناسد و رابطه خلاق و کارآمدی با جهان اجتماعی، میان خود و دیگری، برقرار می کند و جز از این طریق نمی تواند توانایی های خود را به عنوان انسانی آگاه، آزاد، فعال، مصمم و با اراده عیان سازد و تمامی این فرآیند نیز در گرو مشارکت است. یکی از مؤلفه های تعیین کننده جامعه مدنی، وجود آزادی های فردی و فراهم بودن زمینه و فرصت برای شهروندان جهت مشارکت در سیاست و امور حکومتی و همچنین شرکت در تشکل های حزبی و صنفی برای تحقق خواسته های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. تمامی تغییر و تحولات جدیدی که در انتقال از یک سیستم به نوع دیگری انجام می شود، مانند تحول حکومت سلطنتی به جمهوری، سلطه استعماری به استقلال، سیستم بدون حزب به سیستم حزبی، حق رأی محدود به حق رأی همگانی، دیکتاتوری به دموکراسی و اشکال جدید ارتباط بین حکومت و مردم در برگیرنده صور جدید مشارکت سیاسی است. پیش شرط هرگونه مشارکتی، ایجاد و فراهم سازی شرایط مناسب برای ظهور توانایی های نظری و عملی اقدار جامعه است. زیرا مردم در اجرای تصمیماتی که خود در تعیین آنها نقشی داشته، برنامه ریزی کرده و آن را کنترل و ارزیابی نموده اند، مشارکت فعال و هدفمندی خواهند داشت.

بیان مسئله

امروزه صاحب نظران سیاسی، مشارکت سیاسی را یکی از شاخصه های جامعه دموکراتیک مطرح می کنند. مشارکت در واقع، تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است. نکته مهمی که پیرامون مسئله مشارکت سیاسی مطرح است، این است که مشارکت سیاسی باید آگاهانه، خودجوش، سازمان یافته، آزادانه و مبتنی بر علایق فردی، گروهی و صنفی باشد. "مشارکت سیاسی مستلزم وجود برخی آزادی های اساسی در جامعه است. به عبارت دیگر وجود چنین آزادی هایی فرصت عمل لازم را برای فرد و گروه های اجتماعی فراهم می آورد. از جمله مهم ترین این آزادی ها، باید از آزادی بیان و عقاید، تشکیل انجمن ها و اجتماعات، آزادی

انتخاب میان ایدئولوژی‌ها و سازمان‌های سیاسی گوناگون، امکان برخورداری از منابع گوناگون اطلاعات و امکان رقابت گروه‌ها برای تبلیغ عقاید خود و جلب پشتیبانی عامه مردم نام برد" (بشیریه، 2:1378).

در یک جمع بندی مشارکت سیاسی به کنش و واکنش‌های فردی یا گروهی، سازمان یافته و دلخواهانه و غیرتحریک شده که به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های مملکتی و انتخاب رهبران سیاسی صورت می‌پذیرد، اتلاق می‌شود. به نظر می‌رسد عوامل مختلف اجتماعی در مشارکت سیاسی مؤثر باشند، که در تحقیق حاضر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. عوامل اجتماعی مورد بررسی در این تحقیق، میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان، رسانه‌های جمعی، میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان و میزان فعالیت دانشجویان در تشکل‌های سیاسی دانشگاهی است. میزان آگاهی سیاسی افراد یا به تعبیری دیگر اطلاعات و آگاهی آنان از وضع موجود جهان سیاست باعث نحوه شکل‌گیری شخصیت و از جمله کنش سیاسی آنان در مراحل زندگی‌شان خواهد بود. همچنین به نظر می‌رسد یکی از عوامل بسیار مهم و اثرگذار در مشارکت سیاسی، خانواده است.

فرض نیرومندی در اکثر تحقیقات بیانگر این مسأله است که پایه و اساس رفتارها و نگرش‌های سیاسی افراد، در دوران کودکی، در خانواده شکل می‌گیرد. یادگیری‌های دوران کودکی افراد در طول زندگی آنها باقی می‌ماند و بیشترین تأثیر را بر کنش و نگرش سیاسی افراد می‌گذارد. عامل دیگر فعالیت دانشجویان در تشکل‌های سیاسی دانشگاهی است. انجمن‌ها، اتحادیه‌های دانشجویی، گروه‌های مطبوعاتی و نشریات دانشجویی است، هم به روش مستقیم و هم غیرمستقیم به آموزش سیاسی در جامعه دانشجویی اقدام می‌کنند. این تشکل‌ها به تعلیم مسایلی مانند ساخت دولت، هدف از تشکیل احزاب سیاسی، جنبه‌های مفید و غیرمفید آنها، قوت یک ایدئولوژی سیاسی و یا برعکس به جنبه‌های ضعیف آنها و به طور کلی به خصوصیات نظام سیاسی می‌پردازند.

همچنین در این پژوهش، به متغیرهای زمینه‌ای که شامل جنسیت، وضع تاهل، گروه‌های سنی و رشته تحصیلی دانشگاهی و سن دانشجویان است نیز اشاره شده و تأثیرات آنها بر مشارکت سیاسی دانشجویان سنجیده شده است. در پژوهش حاضر دانشجویان به عنوان نخبگان فکری نه الزاماً سیاسی جامعه و پیشگامان و عواملان تغییرات و جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ایران، به عنوان افراد جامعه مورد بررسی انتخاب شده‌اند. شایان ذکر است از جمله

دغدغه های اصلی محقق این است که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان چقدر است؟ کدام یک از عامل های پایگاه اجتماعی والدین، میزان آگاهی سیاسی افراد، رسانه های جمعی، فعالیت در تشکل های سیاسی دانشگاهی و ارتباط با همسالان در میزان مشارکت سیاسی دانشجویان اثر بیشتری دارند؟

سوالات آغازین پژوهش

سوال اصلی:

آیا عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان مؤثر است؟

سوالات فرعی:

1. آیا میزان استفاده از رسانه های جمعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان مؤثر است؟
2. آیا میزان آگاهی سیاسی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟
3. آیا پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟
4. آیا میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟
5. آیا میزان فعالیت دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاهی بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟
6. آیا جنسیت دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟
7. آیا وضعیت تأهل دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟
8. آیا رشته تحصیلی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟
9. آیا سن دانشجویان بر مشارکت سیاسی آنان مؤثر است؟

هدف های پژوهش

هدف این پژوهش شناخت و میزان تأثیر عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان است، که عبارت اند از: سنجش میزان تأثیر رسانه های جمعی، سنجش میزان تأثیر آگاهی سیاسی دانشجویان، سنجش میزان تأثیر پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان، سنجش میزان تأثیر ارتباط دانشجویان، با گروه همسالانشان، سنجش میزان تأثیر فعالیت دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاهی، سنجش میزان تأثیر جنسیت دانشجویان، سنجش میزان تأثیر وضعیت تاهل

دانشجویان، سنجش میزان تأثیر رشته تحصیلی دانشجویان، سنجش میزان تأثیر سن دانشجویان، بر شرکت نمودن آنان در احزاب و ستادهای انتخاباتی، راهپیمایی‌ها و سخنرانی‌های سیاسی، پی‌گیری وقایع سیاسی روز داخل و خارج کشور و شرکت در انتخابات (رأی دادن).

پیشینه و سوابق پژوهش

1- تحقیقات انجام شده خارجی

* موريس روزنبرگ در سال 1971 هفتاد مصاحبه انجام داد و به سه دليل عمده برای بی تفاوتی سیاسی دست یافت. نخستین دلیل، درک نتایج فعالیت سیاسی است، که ممکن است چندین شکل داشته باشد. فرد ممکن است احساس کند فعالیت سیاسی، دوستان و همسایگان یا حتی اعضای خانواده را از او دور کند. یا اینکه احساس کند موقعیت اجتماعی صدمه می بیند یا فعالیت سیاسی ممکن است موقعیت شغلی را با وابسته دانستن و متعلق بودن به یک حزب یا گرایش سیاسی خاص، مورد تهدید قرار دهد. دومین دلیل، این است که ممکن است فرد فعالیت سیاسی را بی فایده تلقی کند و نتایج جریانات سیاسی را از قبل تعیین شده بداند، یا احساس کند که توانایی تأثیر بر جریانات سیاسی را ندارد. سومین دلیل را، انگیزه عمل یا محرک سیاسی به عنوان عامل مهم در تشویق فعالیت های سیاسی می داند و فقدان چنین محرکی ممکن است در احساس بی تفاوتی نقش داشته باشد (روزنبرگ¹، 1976: 91).

* کمپیل در بررسی رابطه مشارکت سیاسی با کارایی سیاسی به این نتیجه رسید که هرچه احساس کارایی سیاسی فرد بیشتر باشد، میزان مشارکت وی هم افزایش می یابد. او رابطه کارایی سیاسی با متغیرهای دموکراتیک دیگر را به منظور کنترل اثر آنها بررسی می کند. همان طور که انتظار می رود، تحصیلات شدیداً با کارایی سیاسی همبستگی دارد. نیمی از پاسخگویان که تحصیلات دانشگاهی داشتند در مقایسه با افرادی که تحصیلات دبیرستانی را به پایان رسانده اند دارای احساس کارایی بالاتری هستند. مردان نسبت به زنان بیشتر احساس میکنند که شهروندان معمولی می‌توانند بر سیاست‌های دولت تأثیر بگذارند (کمپیل²، 1972: ص 170-175).

1. Rosenberg
2. Campbell

2- تحقیقات انجام شده داخلی

از تحقیقات نامبرده می‌توان به پایان نامه کارشناسی ارشد خانم ربابه فتحی اشاره کرد، با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان (مورد مطالعه شهر رشت- تیرماه 1379) که به روش پیمایش و با یک نمونه 393 نفری با استفاده از فرمول کوکران انجام شده است، که بر اساس این نمونه، پرسشنامه‌ها در بین جوانان 18-34 ساله توزیع و جمع آوری شدند. در این تحقیق 19 متغیر مستقل وجود دارد که رابطه آنها با متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای جنس، شغل، بعد خانوار، فرهنگ سیاسی، اعتماد سیاسی، درجه مذهبی، خانواده سیاسی، بحث و گفتگوی سیاسی، دوستان سیاسی، آگاهی سیاسی، مسئولیت پذیری و عضویت در انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی، رابطه معنی داری با مشارکت سیاسی جوانان داشته‌اند. در حالی که وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، درآمد، سن پاداش سیاسی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و استفاده از نوع برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی رابطه معنی داری با متغیر وابسته ندارند. همچنین به پژوهش خانم فاطمه فاتحی با عنوان بررسی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن اشاره می‌شود که جامعه آماری در این تحقیق دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. تعداد نمونه کل، 377 نفر که 138 نفر آنان را مرد و 162 نفر آنان را زنان تشکیل می‌دادند، که به صورت نمونه گیری تصادفی، طبقه ای انتخاب شدند. یافته‌ها حاکی از این است که میان برچسب زنی و میزان ترس از محکومیت قضایی با میزان گرایش دانشجویان به مشارکت سیاسی رابطه معکوسی وجود دارد. بین اعتقاد به وجود گروه‌های فشار در محیط دانشگاه و میزان گرایش دانشجویان به مشارکت سیاسی رابطه‌ای وجود ندارد. بین اعتقاد به شایسته سالاری در حاکمیت نظام و فعالیت در تشکل‌های مستقل دانشجویی با میزان گرایش افراد به مشارکت سیاسی رابطه مستقیمی وجود دارد. در این پژوهش از روش مطالعه میدانی (تکنیک پرسشنامه) و مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS و آزمون غیر پارامتری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

چهارچوب نظری

الف) مکتب مبادله

-جورج هومنز: علاقه اصلی او به مطالعه رفتار اجتماعی ونه فردی است و به عبارت دیگر مبادله

بین افراد را دنبال می کند (ارمکی، همان: 253).

هومنز، قضایای گوناگونی را پرورانده است. این قضایا مبنای نظریه تبادلی اش را درباره رفتار اجتماعی تشکیل می دهند.

- قضیه موفقیت¹: هر عملی از یک شخص که مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می یابد.

- قضیه محرک: اگر در گذشته، وجود محرک خاصی، یا یک رشته از محرک ها، باعث شده باشد که شخصی با کنش خود پاداش گرفته باشد، محرک های کنونی و آتی هر چه به محرک گذشته شباهت بیشتری داشته باشند، احتمال بیشتری می رود که آن شخص در برخورد با این محرک ها آن کنش یا همانندش را انجام دهد.

- قضیه ارزش²: هر چه نتیجه یک کنش برای شخص با ارزش تر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد.

در اینجا هومنز دو مفهوم «پاداش» و «تنبیه» را مطرح می کند. پاداش به کنشی اطلاق می شود که ارزش مثبتی داشته باشد؛ هر افزایشی در پاداش، احتمال برانگیختن رفتار دلخواه را بیشتر می سازد. اما تنبیه به کنشی اطلاق می شود که ارزش منفی در بر داشته باشد؛ هر افزایشی در تنبیه، کنشگر را وادار می دارد که رفتار غیردلخواه را کمتر از خود نشان دهد (ریترز، 1387: صص 427-431).

- پیتر بلاو: وی توجه اصلی خود را بر تحلیل جریان اجتماعی بین افراد به سوی ساخت اجتماعی پیچیده تر معطوف ساخته است. از نظر او «افراد با یکدیگر به خاطر این که از یکدیگر سود می برند، معاشرت می کنند. به نظر بلاو، چهار نوع ارزش وجود دارد که هر کدام کارکرد متفاوتی را انجام می دهد. نخست، ارزش هایی جزئی گرایانه، که به عنوان میانجیان یکپارچگی و همبستگی عمل می کنند. این ارزش ها اعضای یک گروه را بر محور میهن پرستی، متحد می سازند. این ارزش ها در سطح جمعی، پیوندهای یکپارچه کننده را تا فراسوی جاذبه شخصی گسترش می دهند. دومین نوع ارزش، ارزش های کلی گرایانه اند. این نوع ارزش ها معیارهایی هستند که به وسیله آنها ارزش نسبی انواع چیزهایی که می توان مبادله شان کرد، مورد ارزیابی قرار می گیرد. فرض کنید شخصی به بخشی از یک اجتماع خدمت کرده باشد، در چنین

1. success

2. value

مواردی ارزش‌های کلی گرایانه به آن اجتماع اجازه می‌دهد که ارزش آن خدمت را ارزیابی کند و در ازای آن، پاداش مناسبی به آن فرد بدهد. (برای مثال، منزلت اجتماعی بالاتر). سومین دسته از ارزش‌ها آنهایی اند که به اقتدار، مشروعیت می‌بخشند.

آن نظام ارزشی که به برخی از کسان (مانند رئیس‌ان و رؤسای جمهوری) قدرتی بیشتر از دیگران می‌بخشد، پهنه نظارت اجتماعی سازمان یافته را گسترش می‌دهد. این قضیه به چهارمین نوع ارزش، یعنی ارزش‌های مخالفت، ربط پیدا می‌کند. ارزش‌های مخالفت اجازه می‌دهند که احساس نیاز به دگرگونی، به فراسوی آنچه که صرفاً از طریق تماس شخصی میان افراد مخالف با نظم مستقر امکان پذیر است، گسترش یابد، این ارزش‌ها (مانند سوسیالیسم و آنارشیزم در یک جامعه سرمایه داری) به مخالفت با کسانی که از طریق اقتدار مشروع قدرت را در اختیار دارند، مشروعیت می‌بخشد. در مفهوم او، انواع گوناگون واقعیت‌های اجتماعی جای فرد را می‌گیرند (همان: ص ص 440-441).

ب) نظریه انتخاب عقلانی: این نظریه دارای یک بعد منفعت طلبانه آشکار است: من آن چیزی را انتخاب می‌کنم که بیشترین رضایت خاطر یا منفعت را برایم به بار می‌آورد. - **یورگن‌ها برماس:** بخش اعظم آثار هابرماس به مسئله سیاست و تحقق جامعه عقلانی اختصاص دارد. از نظر هابرماس، معنای «جامعه مدنی» در روزگار حاضر شامل آن نوع انجمن‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌های نسبتاً خود جوشی است که همسو با نحوه بازتاب مسایل اجتماعی به حوزه عمومی انتقال پیدا می‌کنند. هسته جامعه مدنی شامل شبکه‌ای از روابط است که به نهادینه شدن بحث‌های معطوف به حل مسائل مورد علاقه همگان در حوزه‌های عمومی سازمان یافته کمک می‌کند.

این «طرح‌های گفتگومحور» ساخت انعطاف پذیر و تساوی طلبانه‌ای دارند که باز نماگر خصیصه‌های اصلی نوعی از ارتباط است که این طرح‌ها حول آن شکل می‌گیرند و موجب تداوم و ماندگاری آن می‌شوند (جلائی پور، محمدی، 1387: 253).

به نظر هابرماس، راه حل مسئله عقلانیت‌کنش معقول و همدار، در عقلانیت‌کنش ارتباطی نهفته است. عقلانیت‌کنش ارتباطی به ارتباط‌رها از سلطه و ارتباط آزاد و باز می‌انجامد. یک چنین عقلانیت، سرکوبگری هنجاربخش و خشک اندیشی را در سطح هنجارهای اجتماعی کاهش می‌دهد و انعطاف پذیری و بازاندیشی فردی را می‌افزاید. عقلانیت به معنای از میان

برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کنند، اما به معنای کلیتر، نظامی ارتباطی است که در آن، افکار، آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند؛ طی این نوع استدلال، توافق غیرتحمیلی توسعه می‌یابد.

«موقعیت گفتاری آرمانی» که در آن نیرو و قدرت، برنده استدلال را تعیین نمی‌کند، در این موقعیت، تنها استدلال بهتر پیروزی می‌یابد. قدرت شواهد و برهان تعیین می‌کند که چه چیز معتبر و درست است. تنها استدلال‌هایی که از این نوع مباحثه پیروز بیرون می‌آیند (و مباحثه کنندگان بر سر آنها توافق دارند)، حقیقت دارند. این حقیقت بخشی از فراگرد ارتباط است و تحقق کامل آن هدف نظریه تکاملی هابرماس می‌باشد. توافق به گونه‌ای نظری از مباحثه پدید می‌آید (و به گونه‌ای ما قبل نظری، از کنش ارتباطی). نیروهایی در جامعه نوین هستند که این فراگرد را مخدوش می‌سازند و از پیدایش توافق جلوگیری می‌کنند. برای آنکه جامعه آرمانی هابرماس پدیدار گردد، باید این نیروها از میان برداشته شوند (ریترز، 1387: ص 213-214).

قضیه استعمار جهان حیاتی هابرماس، در واقع توجه او را به شیوه‌هایی نشان می‌دهد که بر ارتباط آزادانه تأثیر منفی می‌گذارند. کنش ارتباطی در داخل جهان حیاتی رخ می‌دهد: باید گفت که جهان حیاتی مکانی متعالی است که افراد می‌توانند عدم توافق هاشان را از میان بردارند و به توافق‌هایی برسند. جهان حیاتی «زمینه فراگردهای به تفاهم رسیدن» را از طریق کنش ارتباطی فراهم می‌سازد.

ج) رابرت دال: او مسایلی را مطرح می‌کند که باعث افزایش مشارکت سیاسی در میان افراد جامعه می‌شود، که دسته‌ای از این مسایل مربوط به جامعه، و دسته‌ای دیگر مربوط به رفتارهای خود شخص می‌شود. پاداش‌های اجتماعی، خط‌مشی‌های متفاوت احزاب و مشکلات وارد شدن در سیاست، مسائل و مشکلاتی است که مربوط به جامعه است و احساس عدم کارایی سیاسی، رضایت بیش از حد از سیاست‌های کشور بدون دخالت افراد، عدم دانش، آگاهی و اطلاع کافی از مسائل سیاسی مربوط به مشکلاتی است که مربوط به رفتار و ادراکات فردی است. او از مفهوم دیگری به عنوان شهروندان سیاسی و غیرسیاسی یاد می‌کند.

شهروند سیاسی، شهروندی است که وقایع سیاسی روز داخلی و خارجی را پیگیری می‌کند و از آگاهی سیاسی بالایی برخوردار است، اما شهروند غیرسیاسی نهایت به آخرین رفتار سلسله

مراتب مشارکت سیاسی یعنی رأی دادن آن هم برحسب وظیفه یا از روی عادت بدون شناخت و آگاهی کافی از خطی مشی های کاندیدا می پردازد. رابرت دال در بحث دیگری، مفهوم منزلت اجتماعی و رابطه آن با سیاست را مطرح می کند. به نظر دال، در فرهنگ فرد کارگر مزدبگیر یا سایر افرادی که از منزلت اجتماعی پایین تری برخوردارند، آشنایی با سیاست و سیاست مداران به مراتب کمتر از طبقات مرفه اجتماعی است همچنین افرادی که از بیشترین منزلت اجتماعی برخوردارند، کمتر در تصمیم گیری های دولتی دخالت می کنند در واقع آنهایی که بیشترین نفوذ را در دستگاه دولتی دارند، اغلب از میان قشرهای متوسط جامعه هستند. "فعالیت سیاسی و انگیزه شرکت در فعالیت های سیاسی هر دو به واسطه تحصیلات عالی شکل می گیرند. میزان تحصیلات مستقیماً با مشخصه هایی که دال بر منزلت اجتماعی هستند، از نحوه صحبت کردن و لباس پوشیدن گرفته تا شغل و میزان درآمد، ارتباط تنگاتنگی دارد" (دال، 253:1382).

"ارتباط، میان منزلت اجتماعی و درآمد نیز صادق است. افراد کم درآمد از تمامی ابزارهای سیاسی محروم نیستند، اما فقدان پول و ثروت برای آن ها به منزله فقدان یکی از مهم ترین ابزارهای نفوذ سیاسی تلقی می شود. شاید این افراد قادر باشند تا عدم تمکن مالی خود را از طریق سایر ابزارها جبران کنند؛ اما باید دانست که مجموع کل آراء قشرهای کم درآمد، باز هم نمی تواند با مجموع کل ثروت قشرهای ثروتمند برابری نماید" (دال، همان: 367).

متغیرهای پژوهش

- متغیرهای مستقل: میزان استفاده از رسانه های جمعی (تلویزیون، رادیو، مطبوعات (روزنامه و مجلات و..))، ماهواره، اینترنت) - میزان آگاهی سیاسی دانشجو - پایگاه اجتماعی والدین دانشجو (نوع شغل والدین - میزان درآمد ماهیانه خانواده - میزان تحصیلات والدین) - میزان و نوع ارتباط دانشجو با همسالانش - میزان فعالیت در تشکل های سیاسی دانشگاهی.
- متغیرهای زمینه ای: رشته تحصیلی (گروه تحصیلی) دانشجو - وضعیت تأهل دانشجو - جنسیت دانشجو - سن (گروه سنی) دانشجو.
- متغیر وابسته: میزان مشارکت سیاسی دانشجویان

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر، از نوع کاربردی بوده و با توجه به ویژگی موضوع تحقیق و کثرت متغیرهای اثرگذار، روش پیمایش¹ مورد استفاده قرار گرفته است. پژوهش پیمایشی با انتخاب و مطالعه نمونه های منتخب از هر جامعه آماری به بررسی میزان شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیرهای فردی و اجتماعی می پردازد (کرلینجر، 1383: 10). خصوصیات اصلی پیمایش ها عبارت اند از: پوشش گسترده و فراگیر-تمرکز در یک نقطه مشخصی از زمان-تحقیق تجربی.

فرضیه های پژوهش

- فرضیه اصلی (1): به نظر می رسد بین میزان مشارکت سیاسی افرادی که از رسانه های جمعی استفاده می کنند و افرادی که از این رسانه ها استفاده نمی کنند، تفاوت معنی داری وجود دارد.

فرضیات فرعی (1)

- 1- به نظرمی رسد بین میزان مشارکت سیاسی افرادی که از تلویزیون استفاده می کنند، و افرادی که از این رسانه استفاده نمی کنند، تفاوت معنی داری وجود دارد.
 - 2- به نظرمی رسد بین میزان مشارکت سیاسی افرادی که از رادیو استفاده می کنند، و افرادی که از این رسانه استفاده نمی کنند، تفاوت معنی داری وجود دارد.
 - 3- به نظرمی رسد بین میزان مشارکت سیاسی افرادی که از ماهواره استفاده می کنند، و افرادی که از این رسانه استفاده نمی کنند، تفاوت معنی داری وجود دارد.
 - 4- به نظرمی رسد بین میزان مشارکت سیاسی افرادی که از مطبوعات (روزنامه ها و مجلات و...) استفاده می کنند، و افرادی که از این رسانه ها استفاده نمی کنند، تفاوت معنی داری وجود دارد.
 - 5- به نظرمی رسد بین میزان مشارکت سیاسی افرادی که از اینترنت (سایت ها و وبلاگ ها و...) استفاده می کنند، و افرادی که از این رسانه استفاده نمی کنند، تفاوت معنی داری وجود دارد.
- فرضیه اصلی (2): به نظرمی رسد بین میزان آگاهی سیاسی دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

- فرضیه اصلی (3): به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنان (دانشجویان) رابطه معنی داری وجود دارد.
فرضیات فرعی (3)
- 1- به نظر می‌رسد بین نوع شغل والدین دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنان (دانشجویان) رابطه معنی داری وجود دارد.
- 2- به نظری می‌رسد بین میزان درآمد ماهیانه خانواده دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنها (دانشجویان) رابطه معنی داری وجود دارد.
- 3- به نظری می‌رسد بین میزان تحصیلات والدین دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنان (دانشجویان) رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه اصلی (4): به نظر می‌رسد هر اندازه میزان ارتباط دانشجویان و همسالانشان بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی آنان (دانشجویان) نیز، بیشتر خواهد بود.
- فرضیه اصلی (5): به نظری می‌رسد بین میزان فعالیت‌های دانشجویان در تشکل‌های سیاسی دانشگاهی و میزان مشارکت سیاسی آنان، رابطه معنی داری وجود داشته باشد.
- فرضیه اصلی (6): به نظری می‌رسد بین میزان مشارکت سیاسی مردان و زنان تفاوت معنی داری وجود داشته باشد.
- فرضیه اصلی (7): به نظری می‌رسد بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان مجرد، متأهل، در حال طلاق و مطلقه، تفاوت معنی داری وجود داشته باشد.
- فرضیه اصلی (8): به نظری می‌رسد بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویانی که در گروه‌های علوم انسانی، فنی-مهندسی، علوم پایه، هنر و کشاورزی، مشغول به تحصیل هستند، تفاوت معنی داری وجود داشته باشد.
- فرضیه اصلی (9): به نظری می‌رسد بین سن دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان تفاوت معنی داری وجود داشته باشد.

روش جمع آوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش در دو بخش مورد بررسی و جمع آوری قرار گرفته است. اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و مبانی نظری از روش مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی و جستجوی اینترنتی جمع آوری شده است. اطلاعات بخش دوم مربوط به دانشجویان دانشگاه

رودهن است که به صورت میدانی از این دانشگاه جمع آوری شده است در این بخش، با توجه به تعداد جامعه آماری از ابزار پرسشنامه، برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه طرح شده، حاوی 47 سوال باز و بسته بوده است.

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی و در گروه های تحصیلی، علوم انسانی، فنی- مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و هنر در سال تحصیلی 88-89 است. تعداد دانشجویان نامبرده، براساس اطلاعات برگرفته از مرکز کامپیوتر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، 13411 نفر بوده است. نمونه آماری براساس فرمول کوکران 373 نفر محاسبه شده است.

روش نمونه گیری

در این تحقیق با توجه به نمونه بدست آمده از جامعه آماری، تعداد دانشجویان به نسبت گروه تحصیلی، رشته تحصیلی و جنسیت، از طریق نمونه گیری طبقه بندی متناسب با حجم محاسبه شد. در مرحله بعدی از نمونه گیری تصادفی ساده، نمونه مورد نظر انتخاب شده اند.

سنجش اعتماد و پایایی پژوهش

بعد از تهیه پرسشنامه و قبل از اجرای نهایی آن، هر پرسش و کلیت پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفت. این آزمون به دو صورت اجرا شده است. صورت اول، تعیین اعتبار (روایی) محتوای پرسشنامه بوده است و صورت دوم اعتماد (پایایی) درون پرسشنامه بوده است. به منظور مشخص کردن اعتبار این پرسشنامه از اعتبار محتوا استفاده شده است. به این صورت که پس از تهیه پرسشنامه و قبل از این که به صورت نهایی اجرا شود، مشاوره ای با اهل خبره، کارشناسان، استادان با تجربه انجام شد، و نظرات استادان محترم راهنما و مشاور اعمال شد و در نهایت با تغییراتی کوچک در محتوا، پرسشنامه نهایی تهیه و نسبت به توزیع آن اقدام گردید. برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این پژوهش به منظور سنجش پایایی مربوط، 60 پرسشنامه در میان نمونه آماری توزیع و ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. ضریب آلفا در میان متغیرهای مستقل (میزان آگاهی سیاسی 0/92، میزان فعالیت در تشکل های سیاسی 0/90، میزان ارتباط با همسالان 0/91،

پایگاه اجتماعی والدین 0/81، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی 0/20، و در میان کل متغیرهای مستقل 0/92، به دست آمد و در متغیرهای زمینه‌ای 0/81 و متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) 0/88 و مقدار آلفای کل پرسشنامه 0/91 بوده است. با توجه به میزان آلفای به دست آمده، که بالای 0/70 است، نتیجه گرفته شد که پرسشنامه طراحی شده از پایایی لازم برخوردار است.

یافته‌های تحقیق آزمون فرضیات پژوهش

جدول 1: آزمون T مستقل - فرضیات شماره 1 و 6

تست T (دو دامنه) sig	تست لون sig	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	متغیرهای مستقل	
0/155		2/071	18/407	48/756	79	دانشجویانی که استفاده می‌کنند	
	0/154				294	تلویزیون	
0/191		0/935	16/029	51/54	جمع کل 373	دانشجویانی که استفاده نمی‌کنند	
0/226		2/031	16/376	48/65	65	دانشجویانی که استفاده می‌کنند	
	734/0				408	رادیو	میزان اهمیت و استفاده از رسانه‌های جمعی (1٪)
0/224		0/946	16/609	51/39	جمع کل 373	دانشجویانی که استفاده نمی‌کنند	
0/110		0/922	14/394	51/49	316	دانشجویانی که استفاده می‌کنند	
	528/0				57	ماهواره	
0/139		2/301	17/369	47/68	جمع کل 373	دانشجویانی که استفاده نمی‌کنند	
0/160		1/073	16/371	51/83	233	دانشجویانی که استفاده می‌کنند	
	415/0				140	اینترنت	
0/172		1/426	16/870	49/39	جمع کل 373	دانشجویانی که استفاده نمی‌کنند	
0/975		1/142	15/779	50/88	191	دانشجویانی که استفاده می‌کنند	مطبوعات (روزنامه‌ها و مجلات)
	143/0				182	دانشجویانی که استفاده نمی‌کنند	
0/975		1/292	17/424	50/94	جمع کل 373	دانشجویانی که استفاده نمی‌کنند	
0/000		1/153	15/770	47/73	187	زن	جنسیت دانشجویان (6٪)
0/000		1/232	16/794	54/11	186	مرد	

برای سنجش متغیرهای «رسانه های جمعی X₁» (تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت، مطبوعات (روزنامه ها و مجلات)، «جنسیت دانشجویان X₆» و تأثیر آنان بر روی میزان «مشارکت سیاسی دانشجویان Y»، از آزمون T گروه های مستقل استفاده شده است.

جدول 2: همبستگی پیرسون و رگرسیون - فرضیات شماره 2-4-5

همبستگی پیرسون و رگرسیون				متغیر مستقل و متغیر وابسته
تعداد کل N	ضریب تعیین R square	شدت همبستگی R رابطه	سطح معنی داری Sig	
373	0/51	0/71	0/000	مشارکت سیاسی دانشجویان
373	0/36	0/60	0/000	میزان آگاهی سیاسی دانشجویان
373	0/40	0/63	0/000	مشارکت سیاسی دانشجویان میزان ارتباط دانشجویان با همسالان مشارکت سیاسی دانشجویان میزان فعالیت های دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاهی

برای سنجش متغیرهای «میزان آگاهی سیاسی دانشجویان X₂»، «میزان و نحوه ارتباط دانشجویان، با همسالانشان X₄» و «فعالیت های دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاهی X₅» بر «مشارکت سیاسی دانشجویان Y»، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، استفاده شده است.

جدول 3: همبستگی اسپیرمن و آماره Eta-فرضیه 3

همبستگی اسپیرمن				متغیر مستقل و متغیر وابسته
تعداد کل N	ضریب تعیین R square	شدت همبستگی R رابطه	سطح معنی داری Sig	
373	0/24	0/20	0/000	مشارکت سیاسی دانشجویان
373	1/000	0/25	0/000	میزان درآمد ماهیانه خانواده مشارکت سیاسی دانشجویان

373	0/68	0/23	0/000	میزان تحصیلات پدر مشارکت سیاسی دانشجویان میزان تحصیلات مادر
373		میزان آماره Eta 0/43		مشارکت سیاسی دانشجویان نوع شغل پدر
373		0/45		مشارکت سیاسی دانشجویان نوع شغل مادر

برای سنجش متغیر «پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان X3» که شامل: نوع شغل والدین - میزان تحصیلات والدین - میزان درآمد ماهیانه خانواده است، از این آزمون‌ها استفاده شده است: برای سنجش شاخص میزان درآمد ماهیانه خانواده و میزان تحصیلات والدین (پدر - مادر) دانشجویان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است و برای سنجش شاخص نوع شغل والدین (پدر - مادر) نیز از آماره Eta (تا) استفاده شده است.

(جدول شماره 4 - تحلیل واریانس یکطرفه - فرضیات 7-8-9)

تحلیل واریانس یکطرفه					متغیر مستقل و متغیر وابسته
تعداد کل N	واریانس درون گروهی	واریانس بین گروهی	آزمون F	سطح معنی داری Sig	
373	270/496	815/627	3/015	0/030	مشارکت سیاسی دانشجویان
373	266/730	1025/856	3/846	0/004	وضعیت تاهل دانشجویان مشارکت سیاسی دانشجویان
373	273/315	566/842	2/074	0/127	رشته گروه تحصیلی دانشجویان مشارکت سیاسی دانشجویان سن (گروه سنی) دانشجویان

برای سنجش متغیرهای «وضعیت تاهل دانشجویان X7» (1- مجرد 2- متأهل 3- در حال طلاق 4- مطلقه) «رشته تحصیلی (گروه تحصیلی) دانشجویان X8» (1- علوم انسانی 2- فنی - مهندسی 3- علوم پایه 4- کشاورزی 5- هنر) و «گروه های سنی دانشجویان X9» (1- گروه

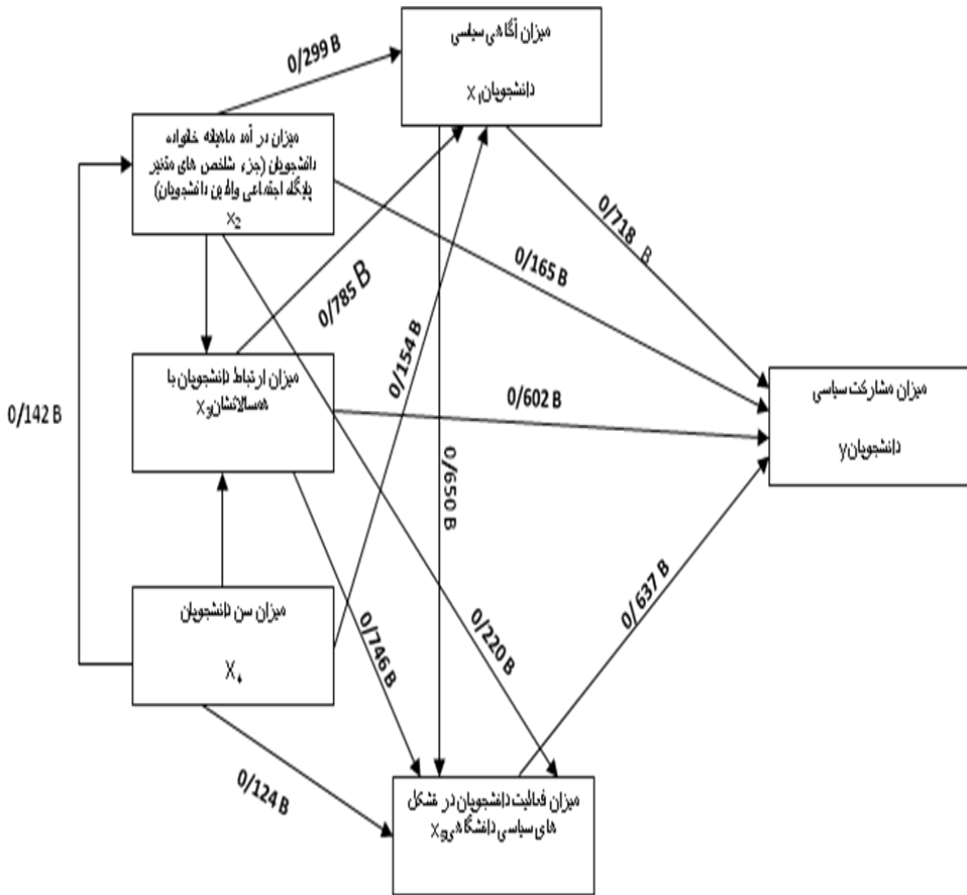
سنی پایین (زیر 20 سال) 2- گروه سنی متوسط (21 تا 30 سال) 3- گروه سنی بالا (31 سال به بالا) از «تحلیل واریانس یکطرفه» استفاده شده است.

برای مشخص شدن منبع تفاوت در میان فرضیاتی که مورد تایید قرار گرفت از آزمون های تعقیبی یا پیگردی (LSD) بعد از انجام آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد.

تحلیل مسیر

با توجه به سطح سنجش تعدادی از متغیرهای مستقل که در سطح کیفی قرار داشتند، انجام تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر بر روی آنان قابل اجرا نبود و آنها از تحلیل رگرسیون و نمودار تحلیل مسیر حذف شدند. در واقع تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر فقط برای متغیرهای (میزان آگاهی سیاسی دانشجویان - شاخص میزان درآمد ماهیانه خانواده از متغیر پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان - میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان - میزان فعالیت دانشجویان در تشکل های سیاسی دانشگاهی - سن دانشجویان) انجام گرفت و میزان همبستگی متغیرهای مذکور با متغیر وابسته و دیگر متغیرهای مستقل به دست آمد که به

صورت β (بتا) در قسمت بالای هر فلش نوشته شده است.



نمودار 5: نمودار تحلیل مسیر

بیشترین میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به ترتیب متغیرهای میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان، شاخص میزان درآمد ماهیانه خانواده، میزان فعالیت دانشجویان در تشکلهای سیاسی دانشگاهی، سن دانشجویان را شامل می شود. بیشترین تأثیر مستقیم را متغیر میزان آگاهی سیاسی دانشجویان و بیشترین تأثیر غیرمستقیم را متغیر درآمد ماهیانه خانواده دانشجویان بر مشارکت سیاسی داشته است. مقدار

«ضریب تعیین»^۱ برای کلیه متغیرهای مستقل با وابسته برابر با 0/575 است، یعنی 58٪ از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی مذکور تبیین می شود. ضریب خطا یا مقدار e محاسبه شده در این مدل نشان دهنده این است که مدل تحلیل مسیر ذکر شده، 42/5 ≈ 42 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمی کند.

$$R^2 = 1 - e^2$$

$$0/575 = 1 - E^2 = 1 - 0/575 = /425$$

بحث و نتیجه گیری

در این قسمت به بررسی خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیق می پردازیم که برآیندی از فرضیه های تحقیق است.

نتایج فرضیه میزان اهمیت و استفاده دانشجویان از رسانه های جمعی: بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویانی که از رسانه های جمعی (تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت، مطبوعات (روزنامه ها و مجلات) استفاده می کنند، و کسانی که از این رسانه ها استفاده نمی کنند، تفاوت معنا داری وجود ندارد. نتایج به دست آمده حاکی از میزان اهمیت و استفاده کم دانشجویان از رسانه های تلویزیون و رادیو، میزان اهمیت و استفاده در حد متوسط دانشجویان از رسانه مطبوعات (روزنامه ها و مجلات) و میزان اهمیت و استفاده زیاد دانشجویان از رسانه های ماهواره و اینترنت است. امروزه به نظر می رسد دانشجویان انواع گوناگون اطلاعات را از راه های دیگری مانند، کتاب ها، فیلم ها، موسیقی، روابط با همسالان و روابط خانوادگی کسب می کنند و موضوعات سیاسی تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت و مطبوعات، تأثیر چندانی بر میزان مشارکت سیاسی آنان ندارد.

نتایج فرضیه میزان آگاهی سیاسی دانشجویان: بین میزان آگاهی سیاسی دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان، رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده حاکی از این است که میزان علاقه دانشجویان به بحث و گفتگوی مسائل سیاسی در تمام محافل، میزان علاقه و تمایل دانشجویان به مطالعه و پیگیری مسائل سیاسی روزنامه ها، کتاب ها و مجلات و میزان آگاهی و اطلاع دانشجویان از سیاست های کلی داخلی و خارجی کشور در حد متوسطی است؛ میزان شناخت دانشجویان از احزاب و تشکل های سیاسی موجود در ایران و خط مشی های آنان

1. square

در حد کم، و میزان شناخت دانشجویان از شخصیت‌های برجسته سیاسی کشور، در حد زیادی است. دانشجویانی که در بحث‌های سیاسی به میزان زیادی شرکت می‌کنند، میزان علایق و تمایل زیادی به مطالعه و دنبال کردن مسائل و موضوعات سیاسی روزنامه‌ها، کتاب‌ها و مجلات دارند، میزان آگاهی زیادی از سیاست‌های داخلی و خارجی کشور دارند، به میزان زیادی از احزاب و تشکل‌های سیاسی و خط‌مشی‌های آنان اطلاع دارند و معمولاً شخصیت‌های برجسته سیاسی کشور را می‌شناسند و از سمت‌ها، وظایف و عملکردهای آنان آگاهی زیادی دارند، از میزان مشارکت سیاسی بالایی هم برخوردارند. براساس نظریات دال، یک فرد سیاسی، برخلاف یک شهروند غیرسیاسی، میزان چشمگیری از ابزار خود را صرف بقا و حفظ نظارت بر خط‌مشی‌های دولت می‌نماید. فرد سیاسی با استفاده از ابزارهای خود قادر است تا به نفوذ سیاسی دست یازد و از همین نفوذ برای کسب ابزارهای بیشتر استفاده نماید.

قضیه‌های مورد نظر هومنز را می‌توان به آگاهی سیاسی تعمیم داد. اگر آگاهی از مسایل سیاسی در نظر دانشجو با ارزش باشد و همچنین در قبال آگاهی سیاسی خود پاداش‌هایی را دریافت کند، احتمال مشارکت سیاسی او افزایش می‌یابد. اگر دانشجو احساس کند که میزان دانش و آگاهی نسبت به مسائل سیاسی محدود است و مشکلاتی برای وارد شدن در سیاست داشته باشد و خسارت‌ها و هزینه‌هایی را متقبل شود، احتمال مشارکت سیاسی او کاهش می‌یابد. گروهی از مردم بر اثر پایین بودن سطح آگاهی‌های سیاسی و یا عدم توان و امکان دسترسی به امکانات عمومی و عدم برخورداری از تحصیلات کافی، نقش چندانی در جریان‌ات و تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا نمی‌کنند. این نوع مشارکت در نظام‌های سیاسی توتالیتر مشهود است. در این نوع نظام‌ها نه به شیوه مشارکت و کیفیت آن بلکه به تعداد افراد مشارکت‌کننده اهمیت می‌دهند.

نتایج فرضیه پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان (شغل والدین - تحصیلات والدین - درآمد ماهیانه خانواده): بین پایگاه اجتماعی والدین دانشجویان که شامل نوع شغل والدین، میزان تحصیلات والدین و میزان درآمد ماهیانه خانواده، است و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد. شغل پدر دانشجویانی که میزان مشارکت سیاسی بالایی داشتند، بیشتر در شغل‌های آزاد، کارمند بخش دولتی مهندس، وکیل و بازنشسته و شغل مادر آنان بیشتر در شغل‌های خانه‌دار، کارمند بخش دولتی و آزاد دیده شده است. بیشترین میزان

مشارکت سیاسی در میان دانشجویانی دیده شده است که میزان تحصیلات پدر و مادرشان در مقطع کارشناسی، متوسطه، کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است.

بیشترین میزان مشارکت سیاسی در میان دانشجویانی دیده شده که میزان درآمد ماهیانه خانواده شان در حد «درآمد متوسط» (هفتصد هزار تومان تا یک میلیون تومان) و «درآمد بالا» (یک میلیون و یک هزار تومان تا سه میلیون تومان) بوده است. مفهوم منزلت اجتماعی و تأثیرات آن بر مشارکت سیاسی دال، را می توان به مفهوم پایگاه اجتماعی افراد که با میزان درآمد، تحصیلات و نوع شغل آنها سنجیده می شود، نیز مربوط ساخت. با توجه به نظریه دال، تحصیلات و میزان درآمد و نوع شغل از مواردی است که بر روی آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی افراد تأثیرات بسزایی دارد و می تواند زمینه ساز انگیزه و فعالیت های سیاسی آنان باشد. نتایج فرضیه میزان و نوع ارتباط دانشجویان با همسالانشان: هرچه میزان ارتباط دانشجویان با همسالانشان بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی آنان نیز بیشتر خواهد بود. دانشجویانی که به میزان زیادی با دوستان و همسالان خود از طریق تلفن، پیامک، پست الکترونیکی، گفتگو در فضای مجازی، ملاقات های حضوری دو یا چند نفره و سازماندهی و تعیین جلسات به گفتگو و بحث های سیاسی می پردازند، میزان مشارکت سیاسی بالایی نیز دارند؛ البته نکته ای در اینجا مطرح است که دانشجویانی که شرایط مذکور را دارند، در انتخابات به میزان کمتری شرکت می کنند، که به نظر می رسد این مسئله تا حدودی به دید دانشجویان و همسالانشان به عملکرد دولت و برگزاری انتخابات مربوط باشد، که باید به صورت ریشه ای مورد بررسی قرار گیرد که در اینجا مجال آن نیست.

به نظر هابرماس، راه حل مسئله عقلانیت کنش معقول و هدفدار، در عقلانیت کنش ارتباطی نهفته است. عقلانیت به معنای از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می کنند، اما به معنای کلیتر، نظامی ارتباطی است که در آن، افکار، آزادانه ارائه می شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند؛ طی این نوع استدلال، توافق غیرتحمیلی توسعه می یابد. با استعمار جهان حیاتی ارتباطات انسانی بیش از پیش فقیرتر، تکه پاره شده تر و متحجرتر می شود و جهان حیاتی در آستانه از هم گسیختگی قرار می گیرد. با گسترش هر چه بیشتر فضای ارتباطات میان گروه های همسال و بسط طرح های گفتگو محور، احتمال مشارکت سیاسی افراد نیز افزایش می یابد.

نتایج فرضیه میزان فعالیت دانشجویان در تشکل‌های سیاسی دانشگاهی: بین میزان فعالیت دانشجویان در تشکل‌های سیاسی دانشگاهی و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه معناداری وجود دارد. بیشترین میزان مشارکت سیاسی در میان دانشجویانی دیده شده است که به میزان زیادی در انجمن‌ها و اتحادیه‌ها، نشریات و خبرنامه‌ها، جلسات و سخنرانی‌ها، اعتصابات و تحصن‌های دانشجویی در محیط دانشگاه به میزان زیادی شرکت می‌کنند. انجمن‌ها و اتحادیه‌های دانشجویی، گروه‌های سردبیری، محافل دانشجویی، اتحادیه روزنامه‌نگاران دانشجویی، گروه‌های مطبوعاتی و نشریات دانشجویی، به میزان زیادی در یادگیری سیاسی دانشجویان مؤثرند. براساس نظریه هابرماس در جامعه‌ای که انجمن‌های داوطلبانه، تشکل‌ها، جنبش‌ها، سازمان‌های خودجوش غیردولتی وجود داشته باشد و امکان نهادینه شدن روابط و طرح‌های گفتگو محور درحوزه‌های همگانی و عمومی به وجود آید علاوه بر بالا رفتن آگاهی سیاسی افراد جامعه باعث رشد افکار آزادانه، غیرتحمیلی و به دور از سلطه در میان اعضای آن جامعه خواهد شد؛ و مشارکت سیاسی از مرحله تئوری به مرحله عمل درآمده و از سرکوبگری و خشک اندیشی جلوگیری شده و باعث افزایش بازاندیشی و انعطاف‌پذیری فردی، عقلانیت و افزایش قدرت استدلال خواهد شد.

نقطه پایان نظریه هابرماس، یک جامعه عقلانی است که در آن توافق غیرتحمیلی توسعه می‌یابد. توافق به گونه‌ای نظری از مباحثه پدید می‌آید. تشکل‌ها و انجمن‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای تحقق مباحثه و توافق باشد. براساس ارزش‌هایی جزئی‌گرایانه بلاو تشکل‌ها و انجمن‌های سیاسی دانشگاهی می‌توانند پیوندهای یکپارچه‌کننده و کارکردهای وحدت بخش را در جامعه دانشگاه ایجاد و تقویت کنند. همچنین مفهوم ارزش‌های مخالفت بلاو امکان مخالفت با کسانی که از طریق اقتدار مشروع قدرت را در اختیار دارند، را داده و به آن مشروعیت می‌بخشد. می‌توان در قالب انجمن‌ها و تشکل‌ها امکان مخالفت و اعتراض به روند مسائل سیاسی کشور را بیان کرد.

نتایج فرضیه جنسیت دانشجویان: بین میزان مشارکت سیاسی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. براساس این پژوهش، میزان مشارکت سیاسی مردان نسبت به زنان بیشتر است؛ در واقع مردان نسبت به زنان به نسبت بیشتری در احزاب، ستادهای انتخاباتی، راهپیمایی‌های دولتی، سخنرانی‌های سیاسی، مناظره‌ها و میتینگ‌های سیاسی، پیگیری اخبار سیاسی روزمره، پیگیری اخبار سیاسی دانشگاه، پیگیری اخبار در سطح جهانی و انتخابات،

شرکت می کنند، تنها شاخصی که میزان مشارکت سیاسی زنان نسبت به مردان بیشتر دیده شد، شاخص شرکت در راهپیمایی های انتقادی بوده است. موانع گوناگونی بر سر راه مشارکت سیاسی زنان وجود دارد. جنبش سیاسی زنان وقتی به معنای واقعی کلمه ظاهر می شود که خودجوش، رقابت آمیز، گروهی، سازمان یافته و مبتنی بر ایدئولوژی مناسب و خاص جنبش زنان باشد.

نتایج وضعیت تأهل دانشجویان: بین میزان مشارکت سیاسی افراد مجرد، متأهل، در حال طلاق و مطلقه، تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین میزان مشارکت سیاسی در میان دانشجویان مجرد دیده شده است و این مسئله می تواند متأثر از عواملی چون، عدم تعهد و مسئولیت در قبال خانواده و میزان کمتر مشغله های روزمره زندگی، اشاره کرد که خود می تواند تا حدودی عامل بی تفاوتی سیاسی افراد باشد.

نتایج فرضیه رشته (گروه) تحصیلی دانشجویان: بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویانی که در گروه های علوم انسانی، فنی- مهندسی، علوم پایه، هنر و کشاورزی، مشغول به تحصیل هستند، تفاوت معناداری وجود دارد. بیشترین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان در بین گروه تحصیلی علوم انسانی، فنی- مهندسی و کشاورزی دیده شده است.

نتایج فرضیه سن (گروه سنی) دانشجویان: بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و گروه های سنی آنها که شامل: 1- سن پایین (زیر 20 سال) 2- سن متوسط (21 تا 30 سال) 3- سن بالا (31 سال و بالاتر)، تفاوت معناداری وجود ندارد. با وجود این که تفاوت معناداری میان گروه های سنی مذکور وجود ندارد، اما به نسبت، بیشترین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان در گروه سنی متوسط (21 تا 30 سال) دیده شده است.

پیشنهادها

1- رسانه های توده ای باید خود را وکیل و قیّم جماعتی روشن بین (عموم) بدانند این رسانه ها باید درست همانند نظام قضایی استقلال خود را در مقابل هر نوع فشار سیاسی و اجتماعی حفظ کنند، پذیرای دغدغه ها و پیشنهادهای عموم باشند، موضوعات و مقولات را بی طرفانه انتخاب کنند، در تقویت نقادی بکوشند بنابراین هم قدرت رسانه ها باید بی طرف و خنثی باشد و هم باید از فرایند ضمنی تبدیل قدرت اجرایی یا اجتماعی به نفوذ سیاسی جلوگیری شود.

2- فعال کردن و انگیزه دادن به مردم برای مشارکت سیاسی نیازمند فضای سیاسی شفاف، قوانین و مقررات مناسب، برخورداری نسبی از امکانات معیشتی و رفاهی است. در این حالت مشارکت مردم در جهت حمایت از موجودیت، اقتدار و تقویت حاکمیت نظام خواهد بود. اگر مخالفت و مبارزه ای هم باشد، «در» چهارچوب نظام و نه «بر ضد» موجودیت نظام است.

3- با توجه به نتایج پژوهش، کم‌رنگی احزاب و تشکل‌های سیاسی و نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی کاملاً مشهود است. دانشجویان به میزان کمی از احزاب و تشکل‌های سیاسی و خط‌مشی‌های آنان، اطلاع و شناخت دارند. در جوامعی که احزاب کم‌رنگ و منفعل‌اند، احتمال وجود فساد سیاسی، غیرعقلانی شدن حوزه اقتدار، پیدایش عدم آگاهی سیاسی واقعی شهروندان، رشد آگاهی کاذب و در نتیجه درگیری‌های داخلی آشکار و پنهان، پرورنده خواهد شد. همین امر به وجود، فعالیت و آزادی احزاب که پاسخگویی نیازهای سیاسی کلیه افراد جامعه باشد، تأکید دارد.

پیشنهاد می‌شود به پرنگ‌تر شدن فعالیت احزاب، اهداء کردن اختیارات پیشرو آزادانه‌تر به احزاب از جانب دولت و حکومت و بالا بردن شناخت و آگاهی شهروندان از کارکرد احزاب و خطی‌مشی‌های آنان، بیشتر پرداخته شود.

منابع فارسی

- بشیریه، ح. (1378). *جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران*، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.
- جلائی پور، ح. ر؛ محمدی، ج. (1387). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران، نشرنی.
- دال، ر. (1382). *قدرت در دست کیست؟*، تهران، انتشارات غربشناسی.
- ریتزر، ج. (1387). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ سیزدهم.
- فاتحی، ف. (1387). *بررسی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- فتحی، ر. (1379). *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان (مورد مطالعه شهر رشت)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.

کرلینجر، ف. ا؛ پدهاوزر، ل. (1383). رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسین سرایی، تهران، نشر دانشگاهی.

منابع انگلیسی

- Campble. A. (1969), **The American voter**. Michigan University of Survey Reserch Center, New York wily.
- Rosenberg, S. A. (ed) (1976). Hand book of Political socialization: Theory and Research" New York free press.